

تاریخ فلاسفه ایران

تألیف:

دکتر صدیق صفی‌زاده (بوره‌کاهی)

سرشناسه
 عنوان و پدیدآور
 مشخصات نشر
 مشخصات ظاهری
 شابک
 یادداشت
 یادداشت
 موضوع
 موضوع
 شناسه افزوده
 رده بندی کنگره
 رده بندی دیویی
 شماره کتابخانه ملی

: صدیق صفی زاده (بوره که بی) ۱۳۲۲-
 : تاریخ فلاسفه ایران / تالیف صدیق صفی زاده (بوره که بی)
 : تهران: اندیشه خلاق، ۱۳۸۵
 : ۵۲۸ ص.
 : ۶۵۰۰۰ ریال 978-964-6114-10-4
 : فیبا
 : کتابنامه
 : فیلسوفان ایران - سرگذشت نامه
 : فیلسوفان اسلامی - ایران - سرگذشت نامه
 : فلسفه ایران
 : ۷ص / ۹الف / ۶۰ BBR
 : ۱۸۹/۱
 : ۸۵-۳۱۳۵۹ م



عنوان: تاریخ فلاسفه ایران
 ناشر: اندیشه خلاق
 مؤلف: دکتر صدیق صفی زاده (بوره که بی)
 ناظر فنی چاپ: محمد مهدی نمازی ۳۰۵۴۸۶۳-۰۹۱۲
 طراح جلد: جعفر اسدی
 لیتوگرافی: باران
 چاپ: معاصر
 صحافی: دانیال
 تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه
 نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۶
 قیمت: ۶۵۰۰۰ ریال

«کلیه حقوق برای مؤسسه ارسطو محفوظ است.»

مرکز پخش:

پخش ارسطو ۶۶۹۶۱۶۲۸ - ۶۶۴۹۵۱۳۶

تهران - میدان انقلاب - خ ۱۲ فروردین - بین وحدت نظری و روانمهر - بی بست حقیقت - پلاک ۵۶/۱ - واحد ۲

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

در گذشته افکار فلسفی از عقاید دینی جدا نبوده چنانکه کیش زردشت و آیین مانی و مزدک از جمله، ادیان فلسفی است. تا آنجا که تاریخ به ما نشان می‌دهد افکار فلسفی در قالب دین در ایران از سه هزار سال پیش به وسیله زردشت مادی معمول شده ولی در حدود هفت قرن پیش از میلاد، فلسفه جدا از دین در سرزمین یونان به وسیله سقراط و افلاطون و ارسطو پدید آمد، پس مهد اولی فلسفه نخست در ایران بوده و سپس به یونان انتقال یافته است.

فلسفه اصل واژه یونانی و مرکب از دو جزء است: فیلو سوس *filosofos* به معنی دوستدار و سوفیا *sofya* به معنی حکمت یعنی: دوستدار حکمت و حکما. فلسفه را بر دو قسم تقسیم کرده‌اند: فلسفه عملی که فلسفه اکتسابی و فلسفه عملی شامل تهذیب اخلاق و تدبیر منزل و سیاست مدنی است و فلسفه اکتسابی شامل سه قسم است: فلسفه ادنی که بحث از اموری می‌کند که مادی محض اند، علم طبیعی و فلسفه اولی عبارت از علم الهی است که بحث از اموری می‌کند که نه در ذهن و نه در خارج احتیاج به ماده ندارند و منظور از آن معرفت امور کلی احوال موجودات مانند وحدت و کثرت و وجوب و امکان و حدوث و قدم و مانند آنها است و یا الهیات به معنی اخص، فلسفه اوسط که بحث از اموری می‌کند که در وجود خارجی به ماده احتیاج دارند، ریاضیات.

فلسفه و حکمت نخست در ایران به وسیله زردشت و مانی و مزدک آغاز شده و پس از آن سقراط، افلاطون و ارسطو در یونان ظهور کردند که ارسطو فلسفه مشاء و افلاطون فلسفه اشراق را پدید آورد و آنان به ماوراء الطبیعه و قوای انسانی توجه داشتند بیشتر نویسندگان و مورخین بر این عقیده‌اند که فلسفه را در دنیا ایرانیان به وجود آورده‌اند چنانکه ابن خلدون در کتاب مقدمه تاریخ خود به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید: در

مهاجمات اسکندر بر ایران شهر فرهنگ پارس یک جا درست و گنجینه‌های فرهنگی و هنری و آثار فلاسفه پارس به دست سربازان یونانی به باد چپاول و یغما رفت و به یونان برده شد و اینک عین عبارت او: «... و اما الفرس فكان شأن هذه العلوم العقلية عندهم عظيماً و نطاقها متسعاً، لما كانت عليه دولتهم من الضخامة و اتصال الملك، و لقد يقال: ان هذه العلوم انما وصلت الى يونان منهم حين قتل الاسكندرودارا و غلب على المملكة الكيانية، فاستولى على كتبهم و علومهم مالا يأخذه الحصر». یعنی: «... و اما پارسیان (ایرانیان) جایگاه این علوم عقلیه در نزد ایشان بس بلند و ارجمند بوده و دامنه آن دانش‌ها بس گسترده بوده است، زیرا دولت پارس بس بزرگ بود و بسیاری از کشورها را به زیر فرمان داشته است و پژوهندگان می‌گویند که این علوم از پارسیان به یونانیان رسیده است، و آن هنگامی بوده است که اسکندر، دارا را بکشت و بر کشور کیانی استیلا یافت و بر کتاب‌ها و نوشته‌ها و بر دانش‌های بیکران آنان دست یافت...».

ابن‌الندیم نیز در کتاب الفهرست در این باره می‌گوید: «... و نسخ ما كان مجموعاً من ذلك في الدواوين و الخزائن بمدينة استخر و قلبه الى اللسان الرومي، ثم احرق بعد فراغه من نسخ حاجته منها ما كان مكتوباً بالفارسية». یعنی: «... و هرچه دانش و فرهنگ در دفاتر دیوان دولتی و گنجینه‌های فرهنگی در شهر استخر بود همه را رونویس کرده و به زبان رومی ترجمه کرد و پس از آنکه هرچه می‌خواست و نیازمند بود از رونویس کردن و ترجمه نامه‌های فلسفه و هنر و فرهنگ اصول آنها را که به زبان پارسی بود دستخوش آتش نموده و همه را پاک بسوخت».

در دوره اسلامی در ایران فلاسفه زیادی ظهور کردند و از جمله شیخ شهاب‌الدین سهروردی که فلسفه اشراق را پدید آورد و بیشتر فلاسفه از او پیروی کردند و در حقیقت سهروردی پایه‌گذار و پی‌افکن فلسفه اشراق است و منشأ و مولد حکمت اشراق، بی‌گمان کشور باستانی ایران بوده و این فلسفه از فکر و ذوق ایرانی زائیده شده و در سراسر ایران

رواج یافته است و در مکتب فلسفه اشراق راه شناخت خدای یگانه، راه و شناخت نفس و تربیت آن است و آن بهترین و درست‌ترین راه است چنانکه خداوند می‌فرماید: «و جادلهم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَن» یعنی: و مجادله و پیکار کن با ایشان بدانچه آن نیکوتر است و درست این همان راهی است که در مکتب آمده است: «من عرف نفسه فقد عرف ربه» یعنی: هر کسی خود را شناخت خدا را شناخت.

در واقع آنهایی که جهان را با نظر استدلال درمی‌یابند طرفدار فلسفه مشاء اند و فلسفه مشاء نمودار اندیشه و عقلیت یونانی است و استاد بزرگ حکمت مشاء ارسطو بوده و بزرگترین مدرسه و مرکز تعلیم و تعلم درباره اصول و مسائل فلسفه مشاء اکادیمیا بوده که در نزدیک شهر آتن در یونان قرار داشته و اکادیمیا محل اجتماع شاگردان و دانشجویان علوم و فنون و حکمت و مجمع دیگر فلاسفه یونان بوده است و کسانی که طرفدار حقیقت‌اند و از راه تجرد و خودداری از لذت‌های جهان‌اند آنان طرفدار فلسفه اشراق‌اند و فلسفه اشراق نمودار هوش سرشار و جلوه عقلیت ایرانی است و فلسفه اشراق از اوستا سرچشمه گرفته و سپس در اکادیمیای آتن فرود آمده و ذوق لطیف و روح حقیقت‌جوی افلاطون را روشن ساخته بود و در شکل فلسفه الهی و به صورت ریاضیات نفسانی و سیر و سلوک عرفانی تجلی نموده است.

مسلمانان در آغاز اسلام توجه زیادی به فلسفه و فلاسفه داشته‌اند و کتاب‌هایی چون: صوان الحکمة ابوسلیمان منطقی، طبقات الاطباء و الحکماء ابن جلیجل، اخبار العلماء، باخبار الحکماء قفطی، عیون الانباء فی طبقات الاطباء ابن ابی اُصیبعه، الملل و النحل شهرستانی، نزهة الارواح و روضة الافراح شهرزوری نوشته‌اند.

ایرانیان بیش از سایر ملل به فلسفه توجه داشته‌اند چنانکه زردشت مادی را می‌توان نخستین پیامبر و فیلسوف ایرانی برشمرد و کتاب مقدس او که دانش و حکمت ایرانیان بشمار می‌رود اوستا نام دارد و این کتاب از جهان بالا بر او فرود آمده یعنی از سوی

اهورامزدا خدای نور و حکمت که سرتاسر آن فلسفه و حکمت است و یا مانی پیامبر و فیلسوف ایرانی که آیینش بر اساس عناصر زرتشتی و مسیحی بنیان نهاده شده است و کتابش ارژنگ نام دارد و او دنیا را به مثابه رزمگاه میان نور و ظلمت و یا فضیلت و شرارت یا اهورامزدا و اهریمن می‌پندارد و یا مزدک پیامبر و فیلسوف ایرانی که آیینش بر اساس زن و ثروت استوار بوده و مرام خود را مبنی بر تقسیم اموال و زنان اعلام کرده و کیش او از بحث در رابطه بین دو اصل قدیم یعنی نور و ظلمت آغاز شده و کتابش دیسناد نام دارد و کتاب‌هایی که به وسیله فلاسفه ایرانی درباره فلسفه نوشته شده این مدعا را ثابت می‌کند و اینها همه نشانه توجه و عنایت خاصی است که فلاسفه و متفکرین به تاریخ فلسفه و حکمت در ایران نشان داده‌اند.

در تاریخ فلسفه ما دگرگونی اندیشه‌های آدمیزاد را از کهن‌ترین روزگار تا به امروز می‌بینیم و برایمان روشن می‌شود که آدمی همیشه در اندیشه بود ولی اندیشه‌های او یکسان نبوده و این را هم می‌دانیم که اندیشه‌های دانایان امروز دنباله اندیشه‌های مردم گذشته بوده و سنجش اندیشه‌های ساده با اندیشه‌های دشوار امروز ما را به پیشرفت‌های شگفت‌آور می‌رساند و روان ما را آرزومند می‌کند. روشنفکران پیشین با نداشتن ابزار توانسته‌اند با اندیشه و خرد، پرده از روی بسیاری از رازهای جهان بردارند و نگرش‌هایی درباره راستی‌ها آشکار کنند که ما هنوز در برابر آنها دچار سرگردانی و سرگستگی هستیم، گزارش این دگرگونی‌ها و سنجش‌ها و آشکار کردن اندیشه‌ها و منش‌های ژرف‌نگری که از سوی اندیشمندان درباره جهان پدیدار شده داستان دل‌انگیزی پدید می‌آورد که آن را تاریخ فلسفه گویند.

فلاسفه و حکمای الهی ایران که ذکرشان در این کتاب آمده است بیشتر نوشته‌های خود را گاهی به زبان اوستایی و گاهی به زبان پهلوی و گاهی به زبان عربی و گاهی به زبان فارسی می‌نوشته‌اند زیرا زبان عربی در دوره اسلامی که زبان رسمی مسلمانان بود در اصل

زبان قرآن بود و نوشته‌های آنان از فرهنگ عظیم اسلامی مایه گرفته و اما زبان فارسی هرگز نقش خود را به عنوان زبان ایرانی از دست نداده و فلاسفه و نویسندگان به این زبان شاهکارهای ارزنده‌ای پدید آورده‌اند.

خوشبختانه در طول تاریخ مردان خردمند و بزرگی در کشورمان پیدا شده‌اند که اوقات خود را وقف گسترش فرهنگ کرده‌اند و این خردمندان و بزرگان پیامبران و فیلسوفانند، پیامبران ما را به راه راست هدایت کرده‌اند فیلسوفان کوشیده‌اند که مردم را به زندگی نیک راهنمایی کنند و از لغزش و خطا دور نگهدارند.

چنانکه می‌دانیم فلسفه در ایران دگرگونی‌هایی به خود دیده است و کسانی مانند: رازی، ابن‌سینا، فارابی، ملاصدرا هر یک روش خاصی برای خود داشته‌اند که ما در این کتاب درباره‌ی اندیشه‌های آنان بحث کرده‌ایم.

ما می‌توانیم تاریخ فلاسفه ایران را به پنج بخش، بخش‌بندی کنیم: بخش نخست از زردشت تا ظهور اسلام، بخش دوم از ظهور اسلام تا بوعلی سینا، بخش سوم از بوعلی سینا تا شیخ اشراق، بخش چهارم از شیخ اشراق تا ملاصدرا، بخش پنجم از ملاصدرا تا حکیم سبزواری.

برای بهتر شناختن حکما و فرهنگ و زبان ایران تصمیم گرفتیم که کتابی درباره‌ی فلاسفه ایران از آغاز تا کنون به رشته تحریر دریاورم تا در دسترس دوستداران و پویندگان فرهنگ ایرانی قرار بگیرد و نگارنده در این کتاب کوشیده است که شرح حال فلاسفه ایرانی را بنا به منابع موثق بنویسد و آثار و اندیشه‌های آنان را مورد بررسی قرار دهد تا مورد استفاده دانش‌پژوهان و پویندگان جوان ایرانی قرار بگیرد و من الله التوفیق و علیه التکلان.

تهران - فروردین ماه ۱۳۸۵

صدیق صفی‌زاده (بوره‌کیمی)